



دین بخش‌های متعدد دارد نباید فقط بر روی فقه تمرکز کنیم

جزو مسلمات است که دین دارای اجزایی است اما سطح این‌ها متفاوت است، یعنی بعضی زیربنایی‌تر است و برخی از این بخش‌های از بخش‌های دیگر تغذیه می‌کند.

جزو مسلمات است که دین دارای اجزایی است اما سطح این‌ها متفاوت است، یعنی بعضی زیربنایی‌تر است و برخی از این بخش‌های از بخش‌های دیگر تغذیه می‌کند.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی در نوشتاری در نشریه «گفتمان الگو» نقدی درباره تمرکز بیش از اندازه بر فقه و آسیب‌های آن نگاشته و معتقد است: در تجربه دینداری بخش عمده‌ای به سمت فقه رفته و اندکی را به سایر علوم اختصاص داده‌ایم؛ به رغم آنکه آن علوم از اهمیت و نقش زیر ساختی برخوردار هستند و منهای آن، اصلا فقه نمی‌تواند جامعه را در مسیر سلامت قرار دهد.

وی در ابتدای این مصاحبه گزاره‌های مقدماتی خود را به طور خلاصه اینگونه بیان می‌کند: ۱ - دین دارای بخش‌های مختلفی است. ۲ - این بخش‌ها هر کدام دین را در ایفای نقشش در جامعه نمایندگی می‌کنند. ۳ - این بخش‌های در یک سطح و اندازه نیستند. ۴ - میان این بخش‌ها یک ارتباط و التزام برقرار است و حالت تکمیل‌کنندگی نسبت به هم دارند.

مبلغی ادامه می‌دهد: جزو مسلمات است که دین دارای اجزایی است اما سطح این‌ها متفاوت است، یعنی بعضی زیربنایی‌تر است و برخی از این بخش‌های از بخش‌های دیگر تغذیه می‌کند. به این معنا که بخشی برای بخش دیگر حالت زیرساختی و زیربنایی دارد. فی المثل اگر کلام و اعتقادات نباشد، حتی فقه هم نیست، هم در حدوث و هم در بقا.

دو اصل مهم

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در ادامه از استنتاج دو اصل از سیره اهل بیت (ع) سخن می‌گوید و می‌نویسد: اصل اول این است که در شرایط ویژه‌ای می‌توان یکی از بخش‌های دین را بنا به ضرورت و نیاز جامعه به آن پررنگ‌تر کرد و به تعبیر علمی‌تر بر آن تمرکز بیشتری داشت. این یک اصل است و طبعاً این اصل به به مثابه یک استثنا است. البته قبلاً گفته شد باید مجموعه دین را که یک منظومه کامل است، با هم و همراه با هم پی بگیریم و دنبال کنیم ولی طبق این اصل مکن است شرایط ویژه‌ای پدید بیاید که لازم باشد رویکرد جدی‌تر و محوری‌ترمان به سمت یکی از بخش‌ها باشد.

وی با اشاره به اینکه از دیدگاه اسلام در وضع اضطراری می‌توان همه یا بیشتر فرصت‌ها را در یک محور متمرکز کرد به اصل دوم می‌پردازد و می‌نویسد: اصل دوم اما این است همیشه آن بخشی که در زمان اضطرار می‌توان بر آن متمرکز شد فقه نیست؛ چون فقه فرع است. آنچه جنبه زیرساختی دارد، اعتقادات است و امور زیرساختی مثل اخلاق یا جنبه‌های فرهنگی و یا طرق ایمان افزا در دعا. باید به این مسائل توجه کرد.

عدم تمرکز بر فقه

مبلغی در این باره تأکید می‌کند: فقه در جامعه‌ای که دچار ضعف ایمانی است و آسیب‌های معنوی و ایمانی دیده است، نه تنها تأثیری را در ایجاد سلامت در بر ندارد بلکه ممکن است در آن شرایط برای جامعه غیرمومن، بازتاب‌های احیاناً منفی داشته باشد. این مدرس خارج فقه تأکید می‌کند: بعد از اینکه امام صادق (ع) و امام باقر (ع) فقه شیعه را ارائه کردند، یک کم کاری یا یک خطای نسبی در نسل‌های بعد از امامان شکل گرفته است. این خطا را می‌توان چنین گفت که به رغم اصالت فقه و به رغم آنکه اسلام منهای فقه در یک جامعه معنا ندارد ولی وضعیت پی گرفته شده از سوی امامان در ارتباط با معارف دینی که یک تلاش معطوف به منظومه معارف دینی بوده، در نسل‌های بعدی شیعه به خوبی پیگیری نشده است.

وی می‌افزاید: ما بیشتر به سمت فقه رفته‌ایم، در حالی که امامان ما این چنین نبودند. معارف امامان را نگاه کنیم، فقه یک جایگاه اساسی دارد اما معارف دیگر هم با جدیت هر چه تمام‌تر مطرح هستند. همان طور که روایات فقهی داریم، اصول کافی هم داریم، اصول کافی مگر روایات امامان نیست؟

آسیب‌های تمرکز بر فقه

حجت الاسلام مبلغی در ادامه نوشتار خود با پرهیز از تمرکز بر فقه می‌نویسد: ما در عمل هفتاد، هشتاد درصد فضای دین‌پردازی و معارف‌پردازی دینی را از فقه پر کرده‌ایم که این کار دو ضرر دارد: یکی ارائه فقه منهای معارف که در این صورت اصولاً کارکردهای طبیعی خودش را هم نمی‌تواند در جامعه محقق کند، و دیگر اینکه کارکردهای دیگر هم وجود دارد که از ناحیه معارف دیگر باید در جامعه همزمان با کارکرد فقه محقق بشود تا جامعه روی صلاح ببیند که این کار صورت نمی‌گیرد.

وی در بیان خطای دوم توضیح می‌دهد: خطای دیگر این است که یک لایه از فقه را که در مکتب اهل بیت (ع) وجود داشته، پی گرفتیم و به بسیار از فنون و علوم فقهی که در مکتب امامان (ع) ارائه می‌شده، توجه نکردیم، در حالی که آن‌ها هم باید شکل می‌گرفتند و آن‌ها هم تراش اهل بیت (ع) هستند. ما نباید نسبت به فلسفه احکام که امام رضا (ع) و امامان قبل از آن بیان می‌کردند و یک نوع عقلانیت در مواجهه با احکام است، کم توجه باشیم. زیرا جامعه باید از حیث نگاه به احکام در یک وضع عقلانی بیانید؛ علل و شرایط، بخشی از تراش اهل بیت (ع) است. این به مثابه یک علم بعد از اهل بیت (ع) دنبال

نشده و در حاشیه قرار گرفته است.

*نوشتار فوق الذکر در صفحات ۵۰ و ۵۱ از شماره ششم نشریه «گفتمان الگو» با عنوان «تمرکز بیش از اندازه بر فقه خلاف سیره اهل بیت (ع) است» منتشر شده است.